

**سیدخلیل سجادپور** - پسر بچه ۳ ساله ای که در پی اختلافات مالی بزرگ تر هار بوده شده بود، پس از گذشت ۱۱ روز با تلاش کارآگاهان پلیس آگاهی خراسان رضوی به آغوش خانواده اش بازگشت.

به گزارش اختصاصی روزنامه خراسان، ساعت ۴ بعد از ظهر شانزدهم فروردین «سجاد» پسر بچه ۳ ساله باچندتن از کودکان هم سن و سال خودش در یکی از محلات شهر ک شهید رجایی مشهد مشغول بازی بود که یک دستگاه خودروی سواری پژو ۴۰۵ وارد کوچه شدو در کنار کودکان توقف کرد. در این هنگام سرنشین خودرو، به سمت کودکان رفت و در حالی که «سجاد» را در آغوش گرفته بودبه درون خودروپریدوراننده نیزپدال گاز رافشرد.

دقایقی بعد با لورفتن ماجرای کودک ربایی، ولوله ای در محله بولوار حر به پا شدو خانواده «سجاد» هراسان و نگران به این سوو آن سو می رفتند و با هر کسی که به ذهن شان خطور می کرد که احتمال آشنایی با آن هارا داشته باشد، تماس می گرفتند اما هیچ کس از «سجاد» اطلاعی نداشت. پدر کودک که دیگریقین داشت، فرزندش توسطپژوسواران ناشناس روبروده شده است، موضوع را به مرکز فوریت های پلیسی ۱۱۰ اطلاع دادو بدین ترتیب پرونده کودک ربایی شکل گرفت. گزارش اختصاصی روزنامه خراسان حاکی است: از سوی دیگر با توجه به حساسیت



تصویریکی از متهمان

## بادستگیری ۴ سارق ، محموله میلیار دی سیم سرقتی لورفت

**کرمانی** - محموله ۲ تنی سیم سرقتی در عملیات پلیس کشف شد. به گزارش خراسان ،فرمانده انتظامی استان کرمان با اشاره به تشدید طرح های برخورد با سارقان، اظهار کرد : در این زمینه نیروهای پلیس آگاهی شهرستان سیرجان در روند کشف چندین فقره سرقت سیم و تجهیزات برق رسانی که با شیوه هایی مشابه در چند نقطه از این شهرستان رخ داده بوده به سرخ هایی از نحوه انتقال اموال سرقتی دست یافتند.

سردار عبدالرضا نظری افزود: در این زمینه ماموران با پیگیری های شبانه روزی خود از قصد چند متهم سابقه دار و مرتبط در این سرقت ها به منظور انتقال اموال سرقتی به دیگر استان ها باخبر شدند و با استقرار نامحسوس در محور اصلی شهرستان یک دستگاه کامیون حامل دو تن سیم سرقتی را

موضوع، سردار سرتیپ محمد کاظم تقوی (فرمانده انتظامی خراسان رضوی) دستورات محرمانه ای را برای پیگیری سریع و قاطع ماجرای کودک ربایی صادر و تاکید کرد که پرونده مذکور به طور ویژه در پلیس آگاهی خراسان رضوی مورد کنکاش های تخصصی قرار گیرد.

با این فرمان انتظامی، بی درنگ جلسه ای کارشناسی به ریاست سرهنگ کارآگاه جواد شفیع زاده (رئیس پلیس آگاهی خراسان رضوی) در اتاق فرماندهی آگاهی برگزار شد و پس از تجزیه و تحلیل های مقدماتی ماجرای آدم ربایی، گروه ورزیده ای از کارآگاهان دایره مبارزه با آدم ربایی و سرعت های مسلحانه زیر نظر مستقیم سرهنگ مهدی سلطانپان (رئیس اداره جنایی آگاهی) ماموریت یافتند تا تحقیقات میدانی را به گونه ای آغاز کنند که حفظ جان کودک مورد توجه قرار بگیرد.

بر اساس گزارش روزنامه خراسان، این گونه بود که کارآگاهان به چند شاخه اطلاعاتی، عملیاتی و رد زنی تقسیم شدند و در همان ساعات اولیه بامداد، بررسی های گسترده را با تحقیقات نامحسوس محلی و بازبینی دوربین های ترافیکی ادامه دادند. در همین حال آدم ربایان با خانواده «سجاد» (کودک روبروده شده) تماس گرفتندو تقاضای پرداخت ۶۰۰ میلیون تومان در قبال آزادی پسر بچه ۳ ساله را دادند. حالا دیگر فرضیه کودک ربایی اثبات شده و کارآگاهان شیوه تحقیقات را تغییر دادند چرا که ربودن «سجاد» از میان چند کودک همبازی وی بیانگر آن بود که آدم ربایان کودک مذکور را می شناختند. به همین دلیل فرضیه کودک ربایی با انگیزه مالی قوت گرفت و افرادی که با اطرافیان کودک مذکور اختلاف حساب داشتند زیر ذره بین تحقیقات قرار گرفتند تا این که مشخص شد یکی از بستگان زن دیک پدر کودک با فردی اختلاف حساب مالی دارد. بدین ترتیب بررسی های کارآگاهان روی فردی به نام «مسعود» متمر کز شد. از سوی دیگر

نیز شناسایی خودروی پژو ۴۰۵ از طریق دوربین های ترافیکی، نشان داد که راننده خودرو هنگام حرکت در کوچه و خیابان ها، طوری رفتاری می کند که کاملاً به محیط و محله مذکور اشراف دارد. همین موضوع مورد تاکید فرماندهان انتظامی قرار گرفت چرا که احتمال می رفت عاملان آدم ربایی، کودک ۳ ساله را در همان منطقه پنهان کرده باشند. به گزارش روزنامه خراسان، همزمان با برگزاری جلسات تحلیلی جرم در پلیس آگاهی، مشخص شد که تماس گیرندگان برای واریز وجه ۶۰۰ میلیونی در استان سیستان و بلوچستان حضور دارند اما این موضوع موجب فریب پلیس نشد چرا که همه رد زنی هاوشیوه های اطلاعاتی کارآگاهان بیانگر آن بود که کودک مذکور در محله حر نگهداری می شود. بنابراین گروهی از کارآگاهان با هدایت سرهنگ وحید حمیدفر (رئیس دایره مبارزه با آدم ربایی و سرعت های مسلحانه) پس از جمع آوری یک سری اطلاعات تخصصی به سرخ هایی رسیدند که نشان می داد آدم ربایان کودک مذکور را در خیابان حر ۴۴ مخفی کرده اندو جان او فعلا در خطر نیست. طولی نکشید که گروه عملیاتی کارآگاهان با کسب مجوزهای قضایی از قاضی اسماعیل

عذلیب (معاون دادستان مرکز خراسان رضوی) و در پوشش های میدل وارد خیابان حر شدندو به تحقیقات نامحسوس خود ادامه دادند تا این که بالاخره محل اختفای کودک شناسایی شد. در این هنگام کارآگاهان پدر «سجاد» را به محلی فراخواندند و از او خواستند به صدای کودکی گوش کند که از پنجره کوچک رو به خیابان شنیده می شد. پدر کودک یک درنگ صدای فرزندش را تشخیص دادو اشک در چشمانش حلقه زد. در این لحظه کارآگاهان با دستور سرهنگ شفیع زاده وارد عملیات شدندو پسر بچه ۳ ساله را که درون اتاقی تاریک در یک منزل مسکونی ویلایی نگهداری می شد، در حالی به آغوش کشیدند که زن ۲۰ ساله مطلقه ای در کنارش بود. لحظاتی بعد پدر کودک نیز وارد منزل شد و اشک ریزان چهره فرزندش

را غرق در بوسه کرد.

بنابر گزارش اختصاصی روزنامه خراسان، پس از آن که کودک مذکور سالم تحویل پدرش شد، عملیات کارآگاهان با فرمان قاطع سردار سرتیپ تقوی برای دستگیری عاملان آدم ربایی وارد مرحله جدیدی شد. در این هنگام زن ۲۰ ساله که به مقر انتظامی انتقال یافته بود در بازجویی ها به سرگر دمحمدباقر پهلوان (افسر پرونده) گفت: من از ماجرای کودک ربایی اطلاعی ندارم. این کودک را خانمی به نام «پریسا» به من واگذار کرد تا از او نگهداری کنم. دقایقی بعدو با مشخصاتی که زن ۲۰ ساله در اختیار کارآگاهان گذاشت، عملیات دستگیری وی آغاز و مشخص شد که او در یک قنادی کار می کند بنابراین گروهی از کارآگاهان دوباره عازم شهر ک شهید رجایی شدند و این زن مطلقه را نیز دستگیر

## قاتل نامرئی جان ۳عضو یک خانواده را گرفت

ساله، مادر ۵۲ساله و دختر ۲۱ساله خانواده به علت گازگرفتگی و مسمومیت ناشی از آن جان خود را دست داده اند. سردار جاویدان با اشاره به انتقال اجساد به پزشکی قانونی، از تشکیل پرونده ای در این باره خبر داد.

## باند قاچاق سلاح در جنوب کرمان متلاشی شد

افشین صالحی نژاد ادامه داد: سربازان گمنام امام زمان (عج) در تحقیقات فنی و اطلاعاتی، از برنامه ریزی یک گروه قاچاق سلاح برای انتقال یک محموله قابل توجه سلاح جنگی از استان های مرزی به جنوب استان کرمان به خصوص شهرستان جیرفت آگاه شدند. این مقام قضایی گفت: بلافاصله برنامه ریزی عملیاتی برای شناسایی و دستگیری اعضای این گروه آغاز شد و تحقیقات گسترده ای برای شناسایی و رد نامحسوس مخفیگاه این افراد در جیرفت انجام شد. صالحی نژاد اظهار کرد: در بازرسی اعضای آن شناسایی و زمین گیر شدند.



**مناقضه عمومی خرید گوشت شتر مرغ آستان قدس رضوی** در نظر دارد نسبت به خرید «گوشت شتر مرغ» مورد نیاز خود از طریق مناقضه عمومی اقدام نماید، لذا متقاضیان محترم به منظور مشاهده شرایط مناقضه و دریافت اسناد مربوطه می‌توانند به نشانی **dev.razavi.ir** بخش مناقصات مراجعه و حداکثر تا ساعت ۱۳:۳۰ روز سه شنبه مورخ ۱۴۰۲/۰۲/۰۵ نسبت به تحویل پیشنهادات تکمیل شده و مدارک مطابق شرایط اعلام شده اقدام نمایند، ضمناً هزینه چاپ آگهی

در روزنامه ها بر عهده برنده مناقضه خواهد بود.

شماره های تماس ۰۵۱۳۲۰۰۱۵۱۹ و ۰۵۱۳۲۰۰۱۴۲۰

**مدیریت پشتیبانی آستان قدس رضوی**

۰۱۳۲۰۰۲۳۶



# ماجرای کودک ربایی ۶۰۰ میلیون تومانی!



تصویری لحظه ای که پدر فرزند خود را در آغوش کشید

کردند اما «پریسا» ادعا کرد «سجاد» را فردی تحویل او داده است که با یکدیگر آشنایی قبلی دارند. او همچنین مدعی شد قرار بود در قبال نگهداری از کودک مذکور ده ها میلیون تومان پول دریافت کند!

به گزارش روزنامه خراسان، عملیات کارآگاهان همچنان ادامه داشت تا این که روز گذشته «مسعود» (جوان ۳۰ساله) نیز به محدوده بولوار حر شناسایی شد و در یک عملیات ضربتی به دام قانون افتاد. با انتقال متهم به کودک ربایی به اتاق بازجویی های تخصصی در پلیس آگاهی خراسان رضوی، تحقیقات کارآگاهان زیر نظر سرهنگ سلطانپان برای دستگیری دیگر عوامل مرتبط با ماجرای کودک ربایی ۶۰۰ میلیون تومانی و کشف زوایای پنهان این حادثه تاسف بار وارد مرحله جدیدی شد.

در امتداد تاریکی

### فرصتی برای جدایی!

تازه در مقطع دکترا دانش آموخته شده بودم که روزی فهمیدم همسر م به من خیانت می کند با وجود این اورا بخشیدم و به زندگی مشترکمان ادامه دادم ولی خودم متوجه نشدم که چگونه در فضای مجازی به ارتباط شیطانی روی آوردم و این گونه فرصتی برای جدایی به دست همسر دادم چرا که ...

به گزارش اختصاصی روزنامه خراسان، زن ۲۸ساله ای که با شکایت همسرش مبنی بر ارتباط با جوانی غریبه وارد کلانتری آبکوه مشهد شده بود، با بیان این که نمی توانم با این رسوایی و آبروریزی کنار بیایم در باره سرگذشت خود به مشاور و مددکار اجتماعی رفتم: پدرم شغل آزاد داشت و از نظر مالی در حد مرفه بودیم، آن زمان در منطقه احمدآباد مشهد زندگی می کردیم و من هم تا مقطع راهنمایی در آن محل درس خواندم ولی زمانی که به سن نوجوانی رسیدم، شور و شر عجیبی وجودم را فرا گرفت و به دختری تبدیل شدم که شیطنت زیادی داشتم و هر کاری را که دلم می خواست انجام می دادم. پدر و مادرم که اوضاع را این گونه دیدند به شدت ترسیدند که من با این شیطنت ها شاید به دنبال یافتن «دوست پسر» باشم و با آبروی خانوادگی ام بازی کنم این بود که مرا در همان ۱۵سالگی پای سفره عقد نشانندند و با یکی از بستگان دور مادرم از دواج کردم.

«باقر» ۱۳سال از من بزرگ تر بود ولی قلم مهر بانی داشت و به من ابراز محبت می کرد آن زمان به دلیل علاقه ای که به تحصیل داشتم با همسرم شرط گذاشتم که فقط در صورتی حاضر م با او از دواج کنم که اجازه ادامه تحصیل و کار در بیرون از منزل را به من بدهد! خلاصه با موافقت «باقر» زندگی ما آغاز شد و من در رشته علوم انسانی دیپلم گرفتم اما خانواده همسرم شرط گذاشتند که اگر قصد ورود به دانشگاه را دارم باید ابتدا آن ها را نوه دار کنم چرا که همسرم تک فرزند خانواده اش بود آن ها دوست داشتند از تنهایی بیرون بیایند! بالاخره باردار شدم و دختری زیبا به نام «پاران» را به دنیا آوردم و بدین ترتیب مجوز ورود به دانشگاه را گرفتم. آن قدر از این موضوع خوشحال بودم که فقط به درس و دانشگاه می اندیشیدم و آرام آرام از اوضاع زندگی مشترک دور شدم تا آنم در حد عالی بود و توسط استادان دانشگاه همواره تشویق و ترغیب می شدم تا در یکی از رشته های اقتصادی ادامه تحصیل بدهم. این گونه بود که دوره های کارشناسی ارشد و دکترا را نیز پشت سر گذاشتم و تحصیلاتم را به پایان رساندم اما در این مدت از همسرم غافل بودم و دخترم نیز به خانواده همسر م وابسته شده بود.

در این روزها هنگامی به خودم آمدم که احساس کردم همسر م به من خیانت می کند. این موضوع بسیار مرا نگران کرد چرا که من از نظر زیبایی چهره، سن و سال و خیلی موارد دیگر چیزی کم نداشتم و نمی توانستم خیانت همسر م را تحمل کنم با وجود این هیچ گاه در این باره چیزی به همسر نگفتم تا این که روزی به طور سرزده وارد خانه شدم و زن جوانی را کنار همسر دیدم. باورم نمی شد کسی که تا این حد در زندگی مشترک به او اعتماد و اطمینان داشتم این گونه با من رفتار کند!

خلاصه آن روز «باقر» متوجه اشتباهش شد و از من عذرخواهی کرد و قول داد که دیگر چنین خطایی را مرتکب نخواهد شد. من هم آن چه را دیده بودم در همان جا دفن کردم و در این باره با هیچ کس حتی خانواده خودم سخنی نگفتم تا آبروی همسر موزندگی خودم حفظ شود با آن که این همه سال برای یافتن شغلی مناسب تحصیل کرده بودم ولی به امور خانه داری مشغول شدم تا فرزندم را تربیت کنم اما نمی دادم چگونه در دام حيله گری های فضای مجازی افتادم و مسیر زندگی ام را به بیراهه کشاندم. روزی همان طور که در حال پرس زنی در گروه های اجتماعی بودم با پسر جوانی آشنا شدم که او نیز مشکلاتی مشابه زندگی من داشت. خیلی زود سفره دلم را گشودم و من هم با او دردل کردم. همین رفتارهای ابتدایی و نادرست به جایی رسید که دیگر از طریق پیامک و تلفن با هم گفت و گو می کردیم به گونه ای که دیگر احساس می کردم به «فر دین» وابسته شده ام. او نیز هر روز با من تماس می گرفت و مدعی بود که فقط کلام من برایش آرامش بخش است و پس از گفت و گو با من به آرامش روحی می رسد!

من هم بدون توجه به اطر ایفانم مدام با او صحبت می کردم تا این که «باقر» متوجه ماجرا شد و با مدار کی که داشت از من شکایت کرد. با آن که من او را در آن شرایط بخشیدم ولی همسر م حاضر به گذشت نیست و این موضوع را تنها فرصتی برای جدایی از من می داند ... گزارش اختصاصی روزنامه حاکی است: با صدور دستور ویژه از سوی سرهنگ ابراهیم خواجه پور (رئیس کلانتری آبکوه) بررسی های روان شناختی و قانونی در باره این ماجرا به مشاوران زبده دایره مددکاری اجتماعی سپرده شد.

ماجرای واقعی به همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی



**آگهی مفقودی اسناد ومدارک خودرو**  
**اداره کل زندانهای استان خراسان شمالی مالک خودروهای قفل :**  
قدفروش آنها را دارد. باتوجه به مفقودی اسنادومدارک خودروهای مذکور، چنانچه فردی ادعایی درمورد خودروهای فوق الذکر دارد ظرف ۱۵روزاز تاریخ نشرآگهی با در دست داشتن مدارک کافی به اداره کل زندانهاواقع در بلوارپامیراعظم(ص) جنب اداره کل دادگستری مراجعه نمایند بدستی است پس ازانتضای مهلت مذکورطبق ضوابط اقدام خواهد گردید.

نوع خودرو	شماره پلاک	مدل
مینی بوس	۲۲۲۴۴تهران ۵۲	۱۳۶۸
مینی بوس	۲۲۴۴۵تهران ۵۲	۱۳۹۱
تیسان	۲۲۴۴۱تهران ۵۲	۱۳۵۵
تیسان	۱۷۷۴تیسر۷۷	۱۳۶۶

اداره کل زندانهای استان خراسان شمالی

۰۱۳۲۰۰۲۳۴

۰۱۳۲۰۰۲۳۰

**هیات مدیره برج های آسمان**